

آفرینش و تاریخ. مطهرین طاهر مقدسی. با مقدمه، ترجمه و تعلیقات دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (تهران: نشر آگه، ۱۳۷۴)، ۱۳۱۱ ص، وزیری.

یکی از سنت‌های قدیمی در تاریخ‌نویسی - و بویژه در تاریخ‌های عام در میان مسلمانان - این بوده که مورخ می‌بایست در آغاز کتاب خود، پاسخی در باب منشأ اقوام عالم ارائه دهد. از این‌رو عموماً ماجرا را از «هبوط آدم» آغاز کرده و تا خاتمه «طوفان نوح» و از آن‌پس تا عصر مورخ ادامه می‌دادند.

در پاسخ به این پرسش که منشأ اقوام مختلف جهان چیست، اسطوره و تاریخ درهم می‌آمیزد و بسته به جهان‌بینی مورخ به این سو یا آن سو می‌گراید. «اساطیر مخصوصاً در آنچه به آغاز تاریخ اقوام مربوط است، نقش و تأثیری پیچیده دارد. وجود انواع اساطیر، سپیده‌دم تمام تاریخ انسانیت را ابرآلود کرده است و حتی تیرگی و ابهام آن هنوز هم در افق تاریخ باقی است.» به هر روی، اسطوره‌شناسان بر آنند که دوران اسطوره، دوران پیش از تاریخ است. بدین معنا که تاریخ در واقع آن چیزی است که در واقعیت به انجام رسیده است و هنوز با ذهن و نهاد آدمی درنیامیخته است. این رخدادها و پدیده‌های راستین و واقعی، روزگاری به نگارش درآمده‌اند و تاریخ مدون را پدید آورده‌اند، اما آن بخش از زندگانی آدمیان که به روزگاران تاریک و فراموش شده بازمی‌گردد، هرگز آشکارا پاس داشته نشده است و به نگارش و گزارش درنیامده است. این روزگاران تاریک را در زندگانی و فرهنگ آدمی، دوران پیش از تاریخ می‌نامند. و اسطوره مایه‌های خویش را بیشتر از این روزگاران تاریک و رازآلود که سرشار از افسون و فسانه ناشناخته‌هاست، می‌ستایند. این بخش گرانسنگ از فرهنگ و زندگانی مردمان را که در تاریخ، گم شده است، باید در بخش اسطوره‌های

برخی از تاریخهای مدون بازجست.

هم از این روست که کتاب آفرینش و تاریخ (البدء والتاریخ) ارزش دوچندان می‌یابد. این کتاب بدان خاطر که حافظه‌ای پر از خاطرات فراموش شده اسطوره‌ای دارد، در میان آثار بازمانده از پیشینیان، تقریباً حالتی منحصر به فرد دارد.

«کتاب آفرینش و تاریخ، دایرة‌المعارفی است از فلسفه، تاریخ، اسطوره‌شناسی تطبیقی، دین‌شناسی، جهان‌شناسی، جغرافیا و رستاخیزشناسی (Eschatology)؛ و در تمام این زمینه‌ها، گاه اطلاعاتی عرضه می‌دارد که در هیچ کتاب دیگری نمی‌توان یافت. در حقیقت تصویری است جامع از تلقی مردمان باستان و سه قرن اول عصر اسلامی نسبت به جهان، از آغاز آفرینش تا پایان آن.» (مقدمه کتاب، ص ۵).

جناب دکتر شفیع کدکنی که از پیشکسوتان میدان اندیشه و ادب این مرزبوم به شمار می‌روند، سالها قبل، (در فاصله سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲) به ترجمه این متن گرانبها، همت ورزید و آن را در چهار جلد، همراه با مقدمه و تعلیقات سودمند به جامعه پژوهشگران تقدیم داشت.

در مقدمه مفصلی (۱۲۱ صفحه) که مترجم توانا بر چاپ دوم کتاب نوشته، به قدر کافی در شأن و ارزش متن کتاب و مؤلف آن، سخن رفته است. در اینجا به اجمال بر اطلاعات ارائه شده در این مقدمه ممتنع، نظر می‌افکنیم.

بخش نخست مقدمه «درباره مؤلف» است. مترجم، پیش از بیان نام و نشان مطهر بن طاهر مقدسی، یادآور می‌شود که بسیاری از قدما و نیز برخی از مستشرقین (همچون کلمان هوار، در ابتدای کار خود)، کتاب البدء والتاریخ را به ابوزید بلخی منسوب می‌داشته‌اند؛ اما با تحقیقات به عمل آمده، روشن شد که تألیف این کتاب، سالها پس از فوت ابوزید بلخی، صورت گرفته است. بحث درباره سال تولد، محل تولد و نیاکان مؤلف و نیز تحصیلات و آموخته‌های او از دیگر مطالب این بخش از مقدمه است. سپس برخی از استادان و مشایخ مؤلف، به اجمال معرفی می‌گردند و پس از آن چندوچون سفرهای مؤلف بررسی می‌شود: «مؤلف بر طبق تصریحات خود، در سرزمینهای عالم اسلامی از خراسان و فارس و کرمان تا عراق و شام و مصر و بیت المقدس تا بلاد یونانیان و نواحی مرکزی و غرب ایران سفر کرده و در بسیاری از این شهرها، از دیدارهای خود با دانشمندان آن اقالیم سخن گفته است.»

در بخش بعدی مقدمه، آثار مؤلف برشمرده می‌شود. این آثار اگرچه هیچ‌یک برجای نمانده‌اند و یا اکنون در دسترس نیست، باری در خلال مباحث کتاب آفرینش و تاریخ از آنها یاد شده است. بحث در باب شیوة تفکر مؤلف، از دیگر بخشهای مقدمه است که در آن به «مذهب مؤلف» و «نحوه برخورد او با ارباب دیانات و شرایع دیگر» و نیز «تقدیم‌نامه کتاب»، پرداخته شده است.

در بخش «ساختار کتاب و نوع موضوعات آن»، چکیده‌ای از محتوای کل کتاب به طرز ماهرانه‌ای - که تنها در حد توانایی و چیره‌دستی مترجم است - ارائه شده و پس از آن ارزشهای کتاب برشمرده شده‌اند. این ارزشها از زاویه‌های گوناگون ارزیابی شده‌اند؛ از دید تاریخ فلسفه در

مطهر بن طاهر مقدسی

آفرینش و تاریخ

اسلام اول تا سوم

مقدمه، ترجمه و تعلیقات از
دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی



۱۳۷۴

برقن و اسلام؛ از دید اسطوره‌شناسی؛ از دید دین‌شناسی؛ از دید جغرافیا؛ از دید تاریخنگاری؛ از دید تاریخ تصوف و از دید تاریخ ادبیات.

برای نمونه در بخش «ساختار کتاب» می‌خوانیم: «... اندکی بعد اندیشهٔ تکامل را آشکارتر بیان می‌کند که بعضی (و نمی‌گویند که این بعضی از کدام ناحیت و کدام عصرند) بر آنند که چون گردش فلاک استقامت یافت، جانوران به وجود آمدند و آنگاه که گردشی با اعتدال بیشتر کرد، بوزینه میمون) به وجود آمد که بسیار شبیه انسان است و سپس گردشی در کمال اعتدال کرد و از آن انسان پدید آمد، که سابقهٔ اندیشهٔ آدم‌شدن میمون را در میان متفکران دورهٔ آغازی تمدن اسلام نشان می‌دهد، و همان است که بعدها وارد شعر پیدل شد که گفته است:

هیچ نقشی بی‌هیولا قابل صورت نشد آدمی هم پیش از آن کادم شود، بوزینه بود.»
همچنین بی‌فایده نیست اگر از میان ارزشهای کتاب، بخشی را که «از دید تاریخنگاری» است، نقل کنیم تا بر اهمیت بیش از پیش این اثر واقف شویم.

«بیشترین حجم کتاب، در مجموع، تاریخ است؛ تاریخ ایران باستان و عرب جاهلی و تاریخ پیامبران و شاهان قدیم و چندین فصل هم ویژهٔ تاریخ اسلام و زندگینامهٔ رسول (ص) و یاران او و خلفای راشدین و امویان و بخشی از عباسیان تا روزگار مؤلف. در تمام این بخشها، گاه، به کتابها و سنادی ارجاع می‌دهد که امروز در دست نیست و قرن‌هاست که از میان رفته است و تنها راوی آن سخنان، همین مؤلف ماست. در باب ارزش تاریخی کتاب، روزنتال که یکی از جامعترین کتابها را

در باب تاریخ‌نویسی در میان ایرانیان و مسلمانان نوشته است، معتقد است که مطهر بن طاهر، تاریخ را با دیدی فلسفی نگریسته و در آغاز کتاب خویش، بحثی نظری پیرامون «شناخت» و «خرده» آورده است و به اهمیت فرهنگی ادیان و مذاهب پیشین توجه بسیار کرده است و بر روی هم کوشیده است که میان فلسفه و تاریخ پیوندی استوار برقرار کند.

در بخش دیگری از مقدمه، از انواع منابعی که مؤلف از آنها بهره گرفته، سخن رفته است. این منابع ابتدا در سه دسته: ۱- تجارب و دیدارها؛ ۲- منقولات دیگران؛ ۳- کتب و رسالات طبقه‌بندی شده‌اند و آنگاه در دسته اخیر از منابع فارسی، یونانی، عبرانی و عربی یاد شده است. بخش پایانی مقدمه، مربوط است به «آفرینش و تاریخ در منقولات قدما»؛ که در آن ردّ پایی از این کتاب، در متون فارسی و عربی، ردیابی شده است.

مترجم سختکوش در پایان متذکر شده است که: «اسلوب ترجمه، چنان بوده است که ضمن رعایت امانت و حفظ بعضی از تعبیرات و اصطلاحات - که ارزش تاریخی و فرهنگی دارند - عبارات کتاب ساده و طبیعی باشند و تا حدی از اسلوب نشر قرنهای اولیه، که به عصر مؤلف نزدیکترند، دور نباشد.»

همچنین مصحح محترم بحق یادآور می‌شود که «به همان اندازه که وقت خود را برای ترجمه کتاب صرف کرده است، زحمت تصحیح متن عربی کتاب را نیز عهده‌دار شده است و بسیاری از ساقطات متن را، از روی نسخه عکس کتاب (موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) و بیشتر آن، از خلال متون کهن دیگر، گاه، بازسازی کرده است...»

آنچه اینک به گنجینه فرهنگ و تاریخ این دیار افزوده شده، مرهون تلاش بی‌شائبه استاد شفیع کدکنی است که سالیانی از عمر خود را وقف آن کرده است. آفرین بر همت والای او.